چرا دانستن ظرفیت زیستی شهر، بدون مسئولیت‌پذیری و عمل، ما را از بحران نجات نمی‌دهد؟

بلوغ زیست‌محیطی؛ شرط بقا برای شهرهای در آستانه بحران

عکس: آژانس عکس تهران

یادداشت

فرزاد گودرز
کارشناس محیط زیست

بحران‌های زیست‌محیطی تهران، صرفاً نتیجه کمبود منابع یا ضعف زیرساخت نیستند، بلکه بازتاب مجموعه‌ای از عوامل فنی، اقتصادی، نهادی، مدیریتی و رفتاری‌اند که در میان آنها «بلوغ زیست‌محیطی» نقشی تعیین‌کننده در تبدیل دانش به تصمیم و عمل دارد. پرسش اصلی اینجاست: چرا با وجود ده‌ها گزارش کارشناسی و هشدار، همچنان از ظرفیت‌های طبیعی و زیرساختی شهر فراتر می‌رویم؟ پاسخ را نمی‌توان فقط در کمبود دانش یا منابع جست‌وجو کرد؛ بخشی از پاسخ در شکاف میان دانستن، مسئولیت‌پذیری و عمل کردن قرار دارد. هرجا بلوغ زیست‌محیطی در سطح تصمیم‌گیران و جامعه شکل نگرفته باشد، احتمال عبور از ظرفیت‌های طبیعی و زیرساختی افزایش می‌یابد؛ حتی اگر قوانین، دانش فنی و منابع مالی نیز وجود داشته باشند.

چرا دانستن ظرفیت زیستی کافی نیست؟

هر شهر دارای ظرفیت‌های طبیعی و زیرساختی محدودی است. «ظرفیت زیستی» در اینجا به معنای مجموعه‌ای از توانایی‌های طبیعی، اکولوژیک و زیرساختی شهر برای پشتیبانی پایدار از زندگی، مصرف، تولید و فعالیت‌های انسانی در یک دوره زمانی معین است، بدون آنکه آسیب جدی و غیرقابل جبران به بنیان‌های طبیعی، کیفیت زندگی و توانایی بازتولید منابع وارد شود. این ظرفیت شامل منابع آب، کیفیت هوا، ظرفیت خاک، فضای سبز، شبکه حمل‌ونقل، زیرساخت‌های انرژی، سیستم مدیریت پسماند و تاب‌آوری اکوسیستم در برابر فشارهای انسانی می‌شود. ظرفیت زیستی نه یک عدد ثابت، بلکه تابعی از فناوری، الگوی مصرف، تراکم جمعیت و کیفیت مدیریت است که در صورت بی‌توجهی، به سرعت کاهش می‌یابد و قابل بازگشت به حالت اولیه نخواهد بود.

تهران سال‌هاست با فشار فزاینده بر این ظرفیت‌ها مواجه است. آلودگی هوا، بحران آب، فرونشست زمین، ترافیک مزمن و انباشت پسماند، همگی نشانه‌های افزایش فشار بر ظرفیت‌های طبیعی و زیرساختی شهر هستند. اما دانستن ظرفیت زیستی، به‌تنهایی مانع عبور از آن نمی‌شود. ده‌ها گزارش کارشناسی نوشته شده، اما تصمیم‌گیری همچنان تحت تأثیر ملاحظات کوتاه‌مدت و بخشی ادامه یافته است. زیرا مسأله فقط در سطح دانش نیست؛ در سطح تصمیم، اولویت‌گذاری و مسئولیت‌پذیری نیز هست. دانستن محدودیت آب، زمانی ارزش پیدا می‌کند که در سیاست‌گذاری، صدور مجوز، الگوی ساخت‌وساز و مصرف شهروندان منعکس شود. اینجا دقیقاً جایی است که مفهوم «بلوغ زیست‌محیطی» اهمیت پیدا می‌کند.

بلوغ زیست‌محیطی چیست؟

بلوغ زیست‌محیطی یعنی توانایی فرد در درک این واقعیت که هر تصمیم او بر ظرفیت‌های طبیعی و زیرساختی شهر، کیفیت زندگی دیگران و آینده جمعی اثر می‌گذارد و سپس عمل کردن بر اساس این درک، مستقل از رفتار دیگران. بلوغ زیست‌محیطی صرفاً به معنای داشتن اطلاعات محیط زیستی نیست. ممکن است فردی اطلاعات فراوانی داشته باشد، اما در عمل رفتاری متناسب با آن دانش نداشته باشد. فاصله میان «دانستن» و «عمل کردن» مهم‌ترین نقطه‌ای است که بلوغ زیست‌محیطی خود را نشان می‌دهد.

این مفهوم سه مؤلفه اصلی دارد:

درک پیوستگی: فرد بالغ می‌داند که مصرف آب، انرژی، تولید پسماند، شیوه جابه‌جایی و الگوی سکونت او با وضعیت محیط زیست و کیفیت زندگی دیگران پیوند دارد. او می‌فهمد که تصمیم‌های فردی در مقیاس میلیون‌ها نفر، به پیامد جمعی تبدیل می‌شوند.

مسئولیت متناسب با جایگاه: همه مسئول‌اند، اما همه به یک اندازه اثرگذار نیستند. شهروند عادی با صرفه‌جویی در مصرف آب مسئولیت خود را انجام می‌دهد. اما شهردار، وزیر یا مدیر ارشد، به دلیل دامنه اثرگذاری، مسئولیتی سنگین‌تر دارند. بلوغ زیست‌محیطی زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد، حتی پس از دستیابی به قدرت، منافع عمومی و حقوق نسل‌های آینده را بر منافع شخصی و ملاحظات کوتاه‌مدت ترجیح دهد.

استقلال از رفتار دیگران: فرد نابالغ می‌گوید: «وقتی دیگران رعایت نمی‌کنند، چرا من رعایت کنم؟» اما فرد بالغ می‌داند که درستی یک رفتار، وابسته به عملکرد دیگران نیست. بلوغ یعنی مسئولیت خود را به رفتار دیگران مشروط نکنیم.

چرا بحران امروز نتیجه نبود بلوغ زیست‌محیطی است؟

اگر در دهه‌های گذشته سطح بلوغ زیست‌محیطی در میان تصمیم‌گیران بالاتر بود، بسیاری از بحران‌های امروز یا شکل نمی‌گرفتند یا با شدت کمتری مواجه می‌شدند. آلودگی هوای تهران محصول توسعه خودرومحور، وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاستی‌های حمل‌ونقل عمومی است. فرونشست زمین حاصل برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی است. بحران پسماند نیز حاصل دهه‌ها تأخیر در استقرار نظام جامع مدیریت پسماند است.

این مسائل صرفاً مشکلات فنی نیستند. برای حل آنها دانش، فناوری، زیرساخت و منابع مالی ضروری‌اند؛ اما هیچ‌کدام به‌تنهایی کافی نیستند. ریشه مشترک بسیاری از آنها در تصمیم‌هایی دیده می‌شود که در آنها ظرفیت‌های طبیعی و منافع بلندمدت به اندازه کافی در اولویت قرار نگرفته‌اند. مسأله فقط این نیست که «آیا راه‌حل را می‌دانستیم؟» بلکه این است که «آیا به اندازه کافی مسئولیت داشتیم که آن را اجرا کنیم؟» بلوغ زیست‌محیطی دقیقاً در فاصله میان این دو پرسش قرار می‌گیرد.

> مدیران صرفاً سیاست‌گذار نیستند؛ آنها سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند. اول، رفتار آنان الگوی عمومی جامعه را شکل می‌دهد. اگر مدیران مصرف‌گرا باشند، مصرف‌گرایی عادی می‌شود. اگر قانون‌گریز باشند، قانون‌گریزی مشروعیت پیدا می‌کند. رفتار صاحبان قدرت، پیامی اجتماعی است که فرهنگ عمومی را در جهت بلوغ یا نابالغی زیست‌محیطی سوق می‌دهد

مدیران چگونه بر بلوغ جامعه اثر می‌گذارند؟

مدیران صرفاً سیاست‌گذار نیستند؛ آنها سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند. اول، رفتار آنان الگوی عمومی جامعه را شکل می‌دهد. اگر مدیران مصرف‌گرا باشند، مصرف‌گرایی عادی می‌شود. اگر قانون‌گریز باشند، قانون‌گریزی مشروعیت پیدا می‌کند. رفتار صاحبان قدرت، پیامی اجتماعی است که فرهنگ عمومی را در جهت بلوغ یا نابالغی زیست‌محیطی سوق می‌دهد.

دوم، مدیران سطح اعتماد عمومی را تعیین می‌کنند. اعتماد اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای رفتار مسئولانه است. هرچه اعتماد بیشتر باشد، همکاری شهروندان برای حل مسائل جمعی افزایش می‌یابد. شهروند زمانی راحت‌تر مسئولیت می‌پذیرد که احساس کند تصمیم‌گیران نیز قواعد خود را جدی می‌گیرند.

سوم، مدیران می‌توانند استقلال اخلاقی شهروندان را تقویت یا تضعیف کنند. زمانی که قدرت به اصول پایبند باشد، شهروندان نیز انگیزه بیشتری برای رفتار مسئولانه پیدا می‌کنند. در مقابل، فاصله میان قانون و عملکرد، این پیام را منتقل می‌کند که رعایت اصول، امری اختیاری است.

مسئولیت دوگانه همه ما شهروندیم

مدیران باید تصمیمات خود را بر اساس ظرفیت زیستی اتخاذ کنند و خود حامل بالاترین سطح بلوغ باشند. اما مدیران انسان‌هایی جدا از جامعه نیستند. همه ما پیش از هر چیز شهروند هستیم. شهردار، وزیر یا نماینده مجلس، پیش از آنکه صاحب منصبی باشد، شهروندی است که مسئولیتی بزرگ‌تر بر عهده گرفته است.

بلوغ زیست‌محیطی در سطح مدیران یعنی توانایی ترجیح منافع عمومی بر منافع شخصی، سیاسی و کوتاه‌مدت. مدیر بالغ تصمیمی را انتخاب می‌کند که به نفع شهر و شهروندان باشد، نه تصمیمی که موقعیت اداری یا محبوبیت سیاسی او را حفظ کند. بخش مهمی از بحران‌های امروز زمانی شکل گرفته‌اند که برخی تصمیم‌گیران با نگاه بخشی یا کوتاه‌مدت تصمیم گرفته‌اند.

در مقابل، شهروندان نیز مسئول‌اند و نباید مسئولیت خود را مشروط به عملکرد مدیران کنند. جامعه‌ای که همه منتظر اصلاح دیگری باشند، هرگز اصلاح نخواهد شد. این مسئولیت دوگانه، اصل اساسی بلوغ زیست‌محیطی است: مدیر باید مسئولیت بزرگ‌تر خود را بپذیرد و شهروند نیز مسئولیت خود را به رفتار دیگران مشروط نکند.

بلوغ زیست‌محیطی چگونه خود را نشان می‌دهد؟

بلوغ باید در رفتار و تصمیم قابل مشاهده باشد. در سطح شهروند، نشانه‌های آن در انتخاب‌های روزمره دیده می‌شود: الگوی مصرف، نحوه استفاده از آب و انرژی، شیوه جابه‌جایی، مدیریت پسماند و رعایت حقوق دیگران.

در سطح مدیر، بلوغ در کیفیت تصمیم‌ها مشاهده می‌شود: آیا تصمیم بر اساس داده و شواهد گرفته می‌شود؟ آیا پیامدهای بلندمدت دیده می‌شوند؟ آیا منافع عمومی بر منافع شخصی ترجیح داده می‌شود؟ آیا مدیر مسئولیت پیامد تصمیم خود را می‌پذیرد؟ آیا در صورت خطا، آن را اصلاح می‌کند یا برای حفظ جایگاه توجیه می‌کند؟ بلوغ زیست‌محیطی را می‌توان در فاصله میان «دانستن» و «عمل کردن»، میان «قدرت» و «مسئولیت» و میان «خطا» و «اصلاح» مشاهده کرد.

جمع‌بندی

در یادداشت اول که با عنوان «تهران چند نفر را می‌تواند تحمل کند» و در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۴۰۵ به چاپ رسید گفته شد که تهران دارای ظرفیت زیستی محدودی است. در یادداشت دوم که با عنوان «شورای شهر؛ مدیر توسعه تهران یا نگهبان ظرفیت زیستی آن؟» در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ چاپ شد، تأکید شد که شورای شهر باید امین این ظرفیت باشد. اکنون گام سوم: حفاظت از ظرفیت زیستی بدون بلوغ زیست‌محیطی ممکن نیست.

تهران امروز به این بلوغ نیاز دارد؛ بلوغی که هم مدیر را از تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت بازدارد و هم شهروند را از بی‌تفاوتی. در این نگاه، مسأله اصلی تقابل «دولت» و «مردم» نیست. همه ما شهروندیم؛ اما برخی در جایگاه قدرت قرار می‌گیرند. تفاوت در دامنه اثرگذاری تصمیمات است. هرچه قدرت بیشتر باشد، نیاز به بلوغ زیست‌محیطی بیشتر خواهد بود.

کیفیت حکمرانی بازتاب کیفیت شهروندانی است که به قدرت رسیده‌اند. اگر شهروندان پیش از ورود به مدیریت، به بلوغ نرسیده باشند، همان نگاه کوتاه‌مدت را به ساختار حکمرانی منتقل می‌کنند. اما اگر بلوغ شکل گرفته باشد، قدرت به ابزاری برای حفاظت از ظرفیت زیستی تبدیل می‌شود. شهرها پیش از آنکه از کمبود منابع شکست بخورند، ممکن است از ناتوانی انسان‌ها در مدیریت مسئولانه منابع شکست بخورند. از این رو، بلوغ زیست‌محیطی شرط ضروری حکمرانی پایدار و بقا در شهرهای در آستانه بحران است.

پرسش کلیدی که این یادداشت به جا می‌گذارد این است: اگر بلوغ زیست‌محیطی راه‌حل است، نقش مردم و نخبگان در تحقق آن چیست؟ و چگونه می‌توان این بلوغ را اندازه‌گیری کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها، محور یادداشت‌های بعدی خواهد بود.

پس از نگرانی‌ها درباره الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت‌جمشید به مرودشت، شورای عالی شهرسازی دوباره طرح را بررسی می‌کند

ضرورت تصمیم تازه برای حفظ حریم تخت‌جمشید

عکس‌ها: ایرنا

گزارش

گروه زیست‌بوم

پرونده الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت‌جمشید به شهر مرودشت، به جای رسیدن به نقطه پایان، دوباره به میز بررسی بازگشته است. وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی حالا باید درباره طرحی تصمیم بگیرند که از یکسو توسعه شهری مرودشت و نیازهای گردشگری منطقه را دنبال می‌کند و از سوی دیگر، حفاظت از حریم یکی از مهم‌ترین آثار ثبت جهانی ایران را. بازنگری در این طرح، فعلاً اجرای الحاق را متوقف کرده تا ابعاد شهرسازی، میراثی و محیط زیستی آن دوباره بررسی شود.

این تصمیم در شرایطی گرفته شد که طی روزهای گذشته، خبرهایی درباره الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت‌جمشید به محدوده شهری مرودشت منتشر شده بود؛ موضوعی که واکنش‌های جدی در میان مدیران و کارشناسان میراث فرهنگی به دنبال داشت. در گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌ها، از محدوده روستای مهدیه سخن گفته شده که قرار بود در قالب ساماندهی به محدوده شهر مرودشت اضافه شود. در همین حال، وزارت میراث فرهنگی اعلام کرده بود که با این الحاق موافق نیست. اعتراض‌ها به تصمیم شهرداری مرودشت به ورود وزارت راه و شهرسازی منجر شد و فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، تأکید کرد طرح جامع مرودشت هنوز نهایی، تصویب و ابلاغ نشده است. به گفته او، لازم است دیدگاه انجمن‌ها و کارشناسان دریافت و در جلسات ویژه بررسی شود تا طرح جامع مرودشت غنی‌تر شود. از نگاه وزارت راه، بنابراین هنوز امکان بررسی دوباره ابعاد مختلف موضوع و اصلاح تصمیمات پیشین وجود دارد.

اختلاف بر سر یک محدوده حساس

اهمیت این پرونده از آنجا ناشی می‌شود که محدوده مورد بحث در مجاورت یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی ایران و جهان قرار دارد. تخت‌جمشید نه تنها یک محوطه تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو است، بلکه بخش مهمی از هویت تاریخی و ظرفیت گردشگری ایران محسوب می‌شود. از این رو، هر تصمیم درباره محدوده پیرامونی آن، صرفاً یک موضوع شهرسازی یا توسعه شهری نیست و ابعاد میراث فرهنگی، گردشگری، اجتماعی و حتی محیط زیستی نیز پیدا می‌کند.

بر اساس توضیحات ارائه‌شده در جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری، باید میان عرصه و حریم درجه یک با حریم درجه ۲ تخت‌جمشید تفاوت قائل شد. در حریم درجه یک، ساخت‌وساز ممنوع است و طبق اعلام مسئولان، این محدوده همچنان تحت حفاظت قرار دارد. اما در حریم درجه ۲ اصل ساخت‌وساز به طور کامل ممنوع نیست و فعالیت‌های ساختمانی باید مطابق ضوابط مشخص میراث فرهنگی انجام شود. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها، ارتفاع ۸.۵ متر است. با این حال، مسأله فقط ارتفاع ساختمان‌ها نیست. نگرانی اصلی منتقدان این است که تغییر کاربری و توسعه شهری در محدوده حریم درجه ۲، به مرور می‌تواند ساختار فضایی، منظر تاریخی و ارتباط میان محوطه با چشم‌انداز پیرامونی آن را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، موضوع در ماه‌های اخیر از یک اختلاف اداری میان دستگاه‌های اجرایی فراتر رفته و به مسأله‌ای عمومی تبدیل شده است.

بازنگری باید همه جانبه باشد

علی دارابی، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی، در جلسه اخیر شورای عالی شهرسازی و معماری تأکید کرد که تخت‌جمشید جایگاه ویژه‌ای در میان آثار ثبت جهانی ایران دارد و حفاظت از آن نیازمند همکاری همه دستگاه‌هاست. او همچنین خواستار بازنگری همه‌جانبه در موضوع حریم درجه ۲ شد؛ بازنگری‌ای که همزمان با حفاظت از تخت‌جمشید، ظرفیت‌های گردشگری منطقه و دغدغه‌های جوامع محلی را در نظر بگیرد.

این موضع با اظهارات روزهای گذشته مدیران میراث فرهنگی نیز همخوان است. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان فارس اعلام کرده بود که الحاق حریم درجه ۲ تخت‌جمشید به مرودشت مورد پذیرش وزارت میراث فرهنگی نیست و طرح به دلیل مخالفت این وزارتخانه متوقف و وارد مرحله بازنگری شده است. در واقع، موضع فعلی وزارت میراث فرهنگی این است که توسعه شهری مرودشت نباید به قیمت کاهش سطح حفاظت از حریم تخت‌جمشید انجام شود. در مقابل، مسأله توسعه مرودشت نیز واقعی است و این شهر برای گسترش کالبدی با محدودیت‌های مختلف مواجه است. همین دو ضرورت است که تصمیم‌گیری درباره آینده این محدوده را پیچیده کرده است.

> بازنگری در طرح می‌تواند فرصتی برای جدا کردن «توسعه خدمات گردشگری» از «توسعه بی‌ضابطه شهری» باشد؛ یعنی به جای آنکه تنها راه تأمین نیازهای جدید، گسترش محدوده شهر در حریم اثر تاریخی باشد، ابتدا ظرفیت‌های موجود و گزینه‌های جایگزین بررسی شوند

طرح جامع هنوز تمام نشده است

وزارت راه و شهرسازی نیز در تصمیم جدید تأکید کرده که طرح جامع مرودشت هنوز به مرحله نهایی نرسیده است. غلامرضا کاظمیان، معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، اعلام کرده مرحله دوم طرح جامع مرودشت هنوز در حال مطالعه است و به شورای عالی ارائه نشده است. بنابراین از نظر فرآیند برنامه‌ریزی شهری، هنوز امکان بررسی کارشناسی موضوع و اعمال تغییرات وجود دارد. فرزانه صادق نیز بر همین نکته تأکید کرده و گفته است حساسیت تخت‌جمشید باید در طرح جامع مرودشت انعکاس پیدا کند. او همچنین به این نکته اشاره کرده که ضوابط فعلی حریم تخت‌جمشید قدمت زیادی دارند و مربوط به سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ هستند. از نگاه وزارت راه، تغییر شرایط منطقه از جمله مسائل مربوط به برداشت آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین و تحولات توسعه‌ای، ضرورت بازنگری در ضوابط و نحوه حفاظت از حریم را بیشتر کرده است.

این بخش از اظهارات وزیر راه اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نشان می‌دهد تصمیم جدید صرفاً به موضوع الحاق یک محدوده به شهر محدود نیست. اکنون بحث گسترده‌تری درباره نسبت میان طرح جامع مرودشت، ضوابط میراث فرهنگی، توسعه گردشگری و وضعیت محیطی منطقه مطرح شده است.

۱۷۰ هکتار در کانون بحث

طبق توضیحات وزیر راه و شهرسازی، محدوده مورد بحث حدود ۱۷۰ هکتار در حریم درجه ۲ تخت‌جمشید قرار دارد و این محدوده دارای محدودیت ارتفاعی است. در عین حال، مسئولان وزارت راه تأکید کرده‌اند امکان ساخت‌وساز در حریم درجه ۲، در چارچوب ضوابط میراث فرهنگی، به طور مطلق منتفی نیست. همین مسأله یکی از نقاط اصلی اختلاف در پرونده است: آیا می‌توان بخشی از این محدوده را در فرآیند توسعه شهری مرودشت قرار داد و همزمان از ارزش‌های تاریخی و منظر فرهنگی تخت‌جمشید حفاظت کرد؟

پاسخ وزارت راه و شهرسازی این است که می‌توان توسعه شهری و حفاظت را در چارچوب ضوابط و برنامه‌ریزی مناسب دنبال کرد؛ اما وزارت میراث فرهنگی تأکید دارد که حفاظت از حریم اثر جهانی باید اولویت قطعی باشد. تصمیم اخیر شورای عالی شهرسازی و معماری تلاش دارد این دو نگاه را در یک فرآیند کارشناسی مشترک به هم نزدیک کند.

دسترسی گردشگران

یکی از نکات مطرح‌شده در جلسه شورای عالی، موضوع ساماندهی محور دسترسی مرودشت به تخت‌جمشید بود. وزیر راه و شهرسازی تأکید کرده است که ورود شمار زیادی از گردشگران از مسیر شهر مرودشت به سمت تخت‌جمشید، نیازمند خدمات پشتیبان گردشگری است.

این دیدگاه نشان می‌دهد مسأله فقط ساخت‌وساز مسکونی نیست. اگر قرار باشد مرودشت نقش بیشتری در پشتیبانی از گردشگری تخت‌جمشید داشته باشد، باید زیرساخت‌هایی مانند خدمات گردشگری، دسترسی، حمل‌ونقل و خدمات عمومی نیز سامان پیدا کند. پرسش اصلی این است که این خدمات چگونه می‌توانند ایجاد شوند بدون آنکه به حریم تاریخی و منظر فرهنگی تخت‌جمشید فشار وارد کنند.

از همین منظر، بازنگری در طرح می‌تواند فرصتی برای جدا کردن «توسعه خدمات گردشگری» از «توسعه بی‌ضابطه شهری» باشد؛ یعنی به جای آنکه تنها راه تأمین نیازهای جدید، گسترش محدوده شهر در حریم اثر تاریخی باشد، ابتدا ظرفیت‌های موجود و گزینه‌های جایگزین بررسی شوند.

تصمیم بعدی با چه کسی است؟

اکنون مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری در این پرونده میان وزارت راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی قرار گرفته است. وزارت راه از منظر شهرسازی، طرح جامع و توسعه کالبدی مرودشت را بررسی می‌کند و وزارت میراث فرهنگی نیز وظیفه حفاظت از عرصه و حریم تخت‌جمشید و رعایت الزامات میراث فرهنگی را بر عهده دارد.

البته طبق تأکید وزیر راه، موضوع تنها به این دو وزارتخانه محدود نمی‌شود. وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و دیگر دستگاه‌های مرتبط نیز در موضوعاتی مانند آب‌های زیرزمینی، فرونشست، کشاورزی و شرایط محیطی منطقه نقش دارند. بنابراین تصمیم نهایی، اگر قرار باشد پایدار و قابل دفاع باشد، نیازمند هماهنگی میان مجموعه‌ای از دستگاه‌هاست.

فرصت برای یک تصمیم متفاوت

پرونده حریم تخت‌جمشید اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که باید امیدوار بود از یک مناقشه میان توسعه شهری و حفاظت میراثی به یک برنامه جامع برای آینده مرودشت تبدیل شود. توسعه شهر، نیازهای ساکنان، گردشگری و حفاظت از تخت‌جمشید، ضرورت‌هایی نیستند که الزاماً یکدیگر را نفی کنند؛ اما جمع کردن آنها نیازمند تصمیمی است که پیامدهای بلندمدت را نیز در نظر بگیرد.

تصمیم ۳۰ شهریور شورای عالی شهرسازی و معماری، در عمل فرصت دیگری برای بررسی این تعارض ایجاد کرده است. وزارت راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی اکنون باید درباره محدوده، ضوابط ساخت‌وساز، ارتفاع، مسیرهای دسترسی، خدمات گردشگری، وضعیت آب و فرونشست، نیازهای واقعی شهر و مهم‌تر از همه حفاظت از منظر و حریم تخت‌جمشید به جمع‌بندی برسند.

در این مرحله، مسأله اصلی دیگر این نیست که کدام دستگاه در این اختلاف پیروز می‌شود؛ مسأله این است که تصمیم نهایی چگونه می‌تواند هم نیازهای امروز مرودشت را پاسخ دهد و هم مانع از آن شود که توسعه شهری، هزینه‌ای برای یکی از مهم‌ترین میراث‌های تاریخی ایران ایجاد کند. بازنگری اعلام‌شده، فعلاً این امکان را باز گذاشته است که پیش از تبدیل تصمیم به ساخت‌وساز و تغییرات برگشت‌ناپذیر، یک بار دیگر همه ابعاد پرونده روی میز کارشناسان قرار گیرد.